

بدرود شیخ، بدرود شیخ رئیس

بیستم مرداد... بیستم مرداد ۱۳۷۸ روزی که آخرین کسوف قرن بیستم رخ داد، بسیاری نمی دانستند سلیان پیش و در ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ ستاره‌های در محله قدیمی سدزوک شیراز، دیار لسان لغیب و شیخ اجل، یابهرت بگویم آسمان سینمای ایران متولد شده است. فرزند پنجم خانواده بود. فرزند پنجم وقتی پنج ساله شد، پدر تصمیم به هجرت از شیراز به سیستان و بلوچستان را گرفت. سه سال زندگی در زابل، در محله عقب و رتیل و شپش، یادواره‌های تلخ او از دوران کودکی است. خانواده تلخ ندارد و پدر تصمیم به بازگشت می‌گیرد. او دوباره در شیراز و سدزوک کودکی را گذراند به نوجوانی رسید. سنی که خیلی‌ها در آن عاشق می‌شوند و امین هم همان زمان، در دبیرستان لسیر عشقی ابدی شد! «در دوران دبیرستان یک روز به تماشای نمایشی در مدرسه نشستیم که به قدری آن نمایش برایم جذاب آمد که ناخودآگاه حس کردم من هم جزوی از آن اثرم. از بچه‌های نمایش مدرسه خواستم که اگر از این به بعد برنامه‌ای دارند روی من حساب باز کنند، خیلی زود من هم به این جمع اضافه شدم و توانستم به عنوان بهترین بازیگر تئاتر در استان هم انتخاب شوم» داستان شورانگیز او اینگونه آغاز شد. ۱۹ ساله بود که سپیده‌دمی تابستانی پدرش روزنامه به دست در هشتی در خانه صدایش زد: «امین... بایا بیدار شو، دانشگاه قبول شدی!» انگار که زلزله آمده باشد از جابرمی خیزد و پاپرهنه تاهشتی می‌دود «چی؟... چی قبول شدم؟» پدر چشم‌های پف کرده‌اش را ریز می‌کند و روزنامه را جلوی صورتش عقب و جلو می‌برد «هنرهای... هنرهای نما...» میان حرفش می‌پرد «هنرهای نمایشی دانشگاه تهران» و با یک دنیا ذوق روزنامه را از دست پدر می‌فاید و فریادی از ته دل می‌کشد... و صغیر اعتراض اهل خانه که در صبحگاه بیدارشان کرده، صحنه رطناز تر می‌کند. چهار سال زندگی در تهران، در تنهایی سخت است اما فارغ التحصیلی هم دنیایی دارد. باز می‌گرده به شیراز و سال ۱۳۵۴ با مجموعه «شهر من شیراز» وارد تلویزیون می‌شود. دو سال بعد زمینی که قرار داده بازی در سریال «ارتیه ایرانی» را امضاء می‌کند هم نمی‌دانست دست سرنوشت او را به دومین عشق جاودانش می‌رساند و طولی نمی‌کشد که امین تاریخ و منصوره شادمنش که در تئاتر هم بازی و در دانشگاه هم کلاسی‌اش بود از دواج می‌کنند. حاصل این پیوند سه پسر به نام‌های مانی، نیما و نامی شد.

تاریخ چهار سال پس از انقلاب و سال ۱۳۶۱ در فیلم «مرگ یزدگرد» که بهرام بیضایی آن را از نمایشنامه‌ای به همین نام اقتباس کرده بود با ستاره‌هایی مانند سوسن تسلیمی، مهدی هاشمی و علیرضا خمسه هم‌دستان شد. یکی از ماندگارترین نقش‌آفرینی‌های او اما یک سال بعد و در مجموعه تلویزیونی «سرمداران» خلق شد. «شیخ حسن جویری» شخصیت اصلی این سریال بود که نقش آن به امین تاریخ سپرده شد تا با بازی درخشانش، یکی از به یادماندنی‌ترین نقش‌ها را در خاطر ات سیمای ایران بیافریند. فقط یک سال بعد، نقش جاودان شیخ رئیس را در مجموعه تلویزیونی «ابوعلی سینا» به نویسندگی و کارگردانی کیهان رهگذر به نام امین تاریخ ثبت شد. سال ۱۳۶۶ اما زمان حضور او در فیلم ماندگار و احساسی «پرندة کوچک خوشبختی» و بازی کنار زنده‌نام هم‌روستا، زنده‌نام جمیله شیخی، زنده‌نام شهلا ریاحی، آریتا لاجینی و عطیه معصومی بود. همان سال بازی در فیلم «بایزان» رسول صدرعملی به دیگر اثر جاودان او بدل شد. تاریخ به ستاره دهه ۶۰ بدل شده بود و به همین دلیل مسعود کیمیایی نیز برای فیلم «سرب» در سال ۶۷ سراغ او رفت. «جلال‌الدین» فیلم «مادر» علی حاتمی امارم و راز بازی ویژه‌ای از تاریخ رافاش کرده تا بنیادهای راسخورتات و شخصیت دوست‌دلشتی «جلال‌الدین» مقابل «محمد ابراهیم» بازی زنده‌نام محمدعلی کشاورز کند. سال ۱۳۷۱ او در فیلم «سارا» و در نقش مقابل نیکی کریمی، بازی متفاوتی داشت. سیمیرغ یاورین بهترین بازیگر مکمل نقش اول مرد اما چندسال بعد و در ۱۳۷۵ و برای نقش‌آفرینی در فیلم «ماه و خورشید» روی شانه‌های تاریخ نشست. این سیمیرغ اما به راحتی نصیب او نشد. خودش درباره این موضوع می‌گوید: «محمدحسین حقیقی با من تماس گرفت و گفت قصد ساخت فیلمی دارد و نقش کوتاهی وجود دارد که تمایل دارم در این نقش بازی کنم. همزمان مشغول بازی در سریال «هفت سنگ» بودم و گریم با موهای بلندی داشتم. نقش پیشنهادی محمدحسین حقیقی یک رئیس دانشگاه بود که بایستی این شخصیت موهای کوتاهی می‌داشت. خوشبختانه با کمک دستان هنرمند و خلاقانه عبدالله اسکندری این تغییر چهره و موی به خوبی انجام شد و در نهایت با این شرایط در حدود دو ساعتی به بازی در فیلم پرداختم. بازی من در مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر همان سال دیده شد و برنده سیمیرغ یاورین بهترین بازیگر نقش مرد مکمل شدم که به خاطر ای جذاب برایم تبدیل شد.» او دو سال پیش از این افتخار، نخستین مدرسه آموزش بازیگری ایران را با نام «کارگاه آزاد بازیگری» در تهران تأسیس کرد. این مدرسه از سال ۱۳۷۹ با سایر مدارس بین‌المللی همکاری کرد و تاریخ نیز مدتی در دانشگاه مرکز فیلم‌ساز درامای استرالیایی جنوبی به تدریس بازیگری پرداخت. یکی از ویژگی‌های جالب امین تاریخ، نزدیکی سینمایی‌اش بود. غیر از همسرش، پری امیرحوزه مادر همسرش نیز بازیگر مطرحی بود. همچنین فرخنده شادمنش، خواهر همسرش نیز بازیگر است. مهدی، یکی از درادانش هم به جرمه بازیگران بیوست اما هرگز نتوانست خاطرات برادر بزرگش را تکرار کند. تاریخ در فیلم‌های متعددی دیگری نیز مانند دلشدگان، شقایق، مجسمه، قاعده بازی، پاپرهنه در بهشت و پشت دیوار سکوت را هم در کارنامه خود دارد اما برخی نقش‌آفرینی‌های او عجیب به دل نشستند.



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۲۲۲۲۲۲ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

چرا شیخ جهاد نداد؟

یلسر سماوات - به یقین یکی از جاودان‌ترین مجموعه‌های تاریخ سیمای ایران، سریال «سرمداران» است. مجموعه‌ای که تا بخواهید ستاره داشت و آن ستاره‌ها در «سرمداران» خوش درخشیدند اما برخی شخصیت‌های این مجموعه گاه ذهن بینندگان موخاکستری سیمای ایران را همچنان پس از حدود ۴۰ سال درگیر خود می‌کند. یکی از زیباترین بخش‌های این سریال محاکمه شیخ حسن جویری با بازی درخشان زنده‌نام امین تاریخ، مقابل قاضی شارع با نقش‌آفرینی عالی نصیریان بود. جایی که نبرد دیرینه منطق و مغالطه درمی‌گیرد. آنجا که قاضی شارع در توجیه محاکمه خویش علیه شیخ حسن جویری می‌گوید: «آن چه تاکنون انجام داده‌ام، هرگز خیانتی به مردم نبوده است. مغولان دوست‌تر دارند که بدون محاکمه کشتار کنند. تنها عملی که حقیر انجام داده است، مهار کردن کشتار آنان با حکمیت و قضاوت بوده است. آیا این جنایت است یا مهار کردن جنایت؟» و شیخ حسن در پاسخ می‌گوید: «حق جلوه دادن جنایت که از نفس جنایت‌موهن تر است!» قاضی شارع از تک و تانمی افتد: «قضاوت من چون تیغی دو دم است که یک دم آن به سمت جنایتکاران است» اما پاسخ می‌شود: «که هر دو دم به سوی مردم است» قاضی از کوره درمی‌رود: «هر دم مردم دردم...» سرتاسر تاریخ را تابلو شده‌اید از دادخواهی برای مردم، و آنان را به کشتار داده‌اید، و سیراب کرده‌اید تاریخ را، این تشنه سیراب تشنه‌ی را.»

این دیالوگ شاید در ذهن بسیاری از بینندگان «سرمداران» مانده باشد اما یک سوال همیشه به ذهن هجوم می‌آورد... چرا؟ چرا شیخ علیه مغولان فتوای جهاد نداد؟ و افسوس که دیگر امین تاریخ میان مانعیست که از او بپرسیم.

یاد و خاطر هاش جاویدان.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir